

سرمقاله

روزهای سرنوشت ساز سیاست افغانستان

محمد رضا هویدا

در این روزها حکومت افغانستان در وضعیت پیچیده ای قرار گرفته است. از یک سو بهار نزدیک است و از سوی دیگر اقدامات حکومت برای رسیدن به ثبات و امنیت نه کافی است و نه برای مردم قانع کننده. حکومت به صراحت می گوید که باید در یکی - دو ماه آینده به نتایج قانع کننده ای برسد و گرنه باید بهاری خونین را در انتظار بود. اما هیچ اثری از نزدیک شدن به صلح دیده نمی شود و جنگ نیز بیشتر در دور باطلی قرار دارد که پایانش ناپیدا است.

بحران انتخابات نیز پابرجای است. فرمان تقنینی ریاست جمهوری با قطعیت از سوی پارلمان رد شده است و این بدان معنا است که ریاست جمهوری در تقابل با پارلمان قرار گرفته است. ریاست جمهوری یا با تقاضای پارلمان می تواند به نتیجه برسد و البته با توجه به گذشته پارلمان و اینکه به هر صورت حکومت نیز در پارلمان به اندازه کافی نمایندگان طرفدار و حامی دارد، بعید نیست، و یا اینکه با صدور یک فرمان تقنینی دیگر در زمان رخصتی نمایندگان پارلمان کار انتخابات را شروع کند. به هر صورت هر دو راه جنجال های زیادی را در پی دارد.

بیست و ششم دلو امسال و موضع گیری هایی که از سوی شخصیت های سیاسی و احزاب مطرح شد نیز حکایت از فصل تازه ای جنجال های سیاسی دارد. جنجال هایی سیاسی ای که معمولاً با دور ماندن احزاب و شخصیت های سیاسی از مرکز قدرت در صحنه سیاسی افغانستان بروز می کنند. اظهار نظرها و هشدار و تهدیدهایی که معمولاً از سوی سیاستمداران و احزاب سیاسی اظهار می شود با توجه به نزدیکی و دوری آنها از مراکز قدرت و انتظارات آنها از قدرت مرکزی برای در نظر گرفته شدن آنها است.

جنگ هایی سرنوشت سازی نیز در مناطق مختلف کشور جریان دارد. جنگ های شمال به معنای کامل قضیه سرنوشت ساز و حساس هستند. دروازه های شمال و کابل در همین روزها در وضعیت وخیمی قرار دارند. این جنگ ها بدان جهت حساس هستند که در پایان یک پروسه کامل سیاسی و امنیتی و استخباراتی قرار دارند. سهالها پیش از این، هشداری در مورد کشانیده شدن جنگ به شمال داده شده بود. حکومت وقت و حکومت فعلی نتوانسته و یا نخواسته تا به این هشدارها توجه لازم را بکنند و از کشانیده شدن جنگ به شمال جلوگیری نماید. این آخرین مرحله یک پروسه کشانیده شدن جنگ به شمال است. اگر حکومت نتواند جنگ را در بغلان و کندز و مناطق دیگر شمال کنترل کند و طالبان و حامیان آنها را با شکست مواجه سازد، وضعیت خطرناکی در انتظار حکومت افغانستان است.

اینها در کنار اینکه حکومت وحدت ملی نقص ها و ضعف های ذاتی دارد، برای مردم افغانستان به هیچ وجه خوشایند نیست. افغانستان در چنین وضعیتی نیاز به یک حکومت کاملاً قوی دارد که بتواند با اقتدار علیه همه تهدیدها بایستد و مبارزه کند. آنچه در حال حاضر در افغانستان دیده می شود، دولتی است که از ضعف های جدی رنج می برد. این دولت گرفتار فساد گسترده در تمام ادارات خود است. علاوه بر آن برنامه ای برای محو فساد وجود ندارد. برنامه هایی که وجود دارند نیز نه علمی هستند و نه عملی، بلکه اکثر معطوف بر پروژه های خارجی هستند که در نوع خود به گسترش فساد منجر می شوند تا به کاهش فساد.

در روزهای آینده که حکومت افغانستان به سوی حل بحران انتخابات پیش می رود، و از سوی دیگر گفتگوهای چهار جانبه نیز قرار است به نقشه راهی برسد و عملاً وارد فاز تازه ای از پروسه صلح شود، و جنگ نیز به شدت جریان دارد و این امیدواری وجود دارد که حد اقل در چند ولایت به نتایج قانع کننده ای برسد، مردم افغانستان بی صبرانه تدابیر حکومت افغانستان و بازی های بازیگران سیاست کشور را نظاره می کنند.

دانش های مدرسه های، هدف انتقادهای شدید

ژان لویی درونه برگردان آریا نوری



بولو و یا روزها استابله اشاره کرد. در همین فاصله دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی، ووبیان ایزامبر زامانی، تنها کسی بود که برنامه ی دورکیم را دنبال کرده و تلاش کرد مجموعه ی تحولات جامعه، نهاد مدرسه و محتوای کتاب های درسی را بررسی کند. وی به خوبی توانست برخی از چالش های موجود در مدارس را به تصویر بکشد. برای مثال نشان داد که معلمان چگونه با تغییر خواستگاه اجتماعی مخاطبان خود، شیوه ی انتقال محتوای کتاب های درسی را تغییر می دهند. او همچنین از وری تحقیقات خود نشان داد که عملکرد برخی از معلمان در کلاس درس تا چه اندازه می تواند جبرگرای حاکم بر جامعه را دستخوش تغییر کند. زامانی توانست به خوبی به بررسی ریشه های پدیده ی شکست تحصیلی در مدرسه بپردازد. شکست در مدرسه در دهه ی پنجاه میلادی مطرح شد، یعنی همزمان با دموکراتیزه شدن دوره ی راهنمایی و امکان تحصیل در آن برای همه ی دانش آموزان. تا آن زمان اهمیت چندان بی به این پدیده داده نمی شد، ولی با ورود گسترده ی دانش آموزان جدید به دوران راهنمایی، شکست در مدرسه به چشم آمد. تحلیلگران باید از یک سو به دنبال یافتن علتی برای شکست های فردی دانش آموزان می بودند و از سوی دیگر این پدیده را در ابعادی جمعی بررسی می کردند. اقدامات ساختارگرایانه ای که در طول دهه ی گذشته شکل گرفته است می توان به همین مسئله توجیه کرد. در سبب مطالعه در این مورد، باوجود پیشرفت های خوبی که فرانسوی ها در چند وقت اخیر داشته اند، بریتانیایی ها بسیار جلوتر هستند. میشل یانگ، جامعه شناس انگلیسی دیدگاه های بسطی مطرح می کند. این زمینه ارائه داده و حتی می توان او را به نوعی بهترین دنباله روی بوردی در نظر گرفت. او توانست به خوبی این مسئله را به تصویر بکشد که علاوه بر راه های رسمی (آموزش، تعلیم، پرورش و...) راه های پنهانی نیز وجود دارد که دانش آموزان از واری آن ها می توانند تحصی خود را کاستی در، مطرح کردن پرسش های خود و ... را فرابگیرند. دانش آموزانی که این اصول را به درستی فرابگیرند، حضور مناسبی در کلاس نخواهند داشت.

دوره های به دوره ی دیگر و با بر اساس منافع و شرایط موجود تغییر نمی کنند. به این تعریف اما انتقادی دوگانه وارد است. اولین انتقاد به وسیله ی تئوری بازپروری ارائه شده است. به این معنی که نحوه ی انتخاب دانش آموز با توجه به ویژگی های اجتماعی ایشان، مراتب شکل گیری نابرابری را بین دانش آموزان متعلق به طبقه ی کارگر فراهم می آورد. دومین انتقاد به واسطه ی پیشرفت انسان شناسی شکل گرفت. به این معنی که انسان شناسان نشان دادند به هیچ عنوان نمی توان فرهنگی ثابت را برای انتقال دانش های مدرسه ای مدنظر قرار داد و باید با دیدی جهان محور به این مسئله نگاه کرد.

دانش های مدرسه ای و باز تولید نابرابری های اجتماعی در دوران آموزشی صحبت های بسیاری در این مورد می شود. با شکل گیری جریان سوسیال فوآن جدید، از اوایل دهه ی ۷۰ میلادی، واکنش های جدیدی نسبت به رابطه ی مدرسه و افزایش نابرابری های اجتماعی شکل گرفت. برای فلسفه، حقوقی مجزا قرار داده و آن را در برابر جامعه شناسی، مستقل نشان دهند. این جریان در دهه ی ۸۰ میلادی موفقیت بسیار زیادی داشت و می توان از به پنهانی وی شانس تحصیلی برابر برای همه، زان کلود میلتر و آلن فینکلرود به عنوان نویسندگان اصلی آن نام برد. البته باید به این مسئله اشاره کنیم که امروزه تفکر انتقادی شکل گرفته به وسیله ی علوم انسانی، در جامعه حکمرانی می کند. در این شرایط است که تفکر فلسفی باید بتواند جایگاهی مناسب برای خود دست و پا کرده و در انتخاب و نحوه ی ارائه ی علمی که قرار است به دانش آموزان منتقل شود، نقش ایفا کند. از دهه ی ۳۰ میلادی به بعد، نهاد مدرسه در فرانسه، مقوله ی برابری شانس تحصیل برای همه ی دانش آموزان را شالوده ی اصلی خود قرار داد. برخی از منتقدان به این امر اشاره می کنند که انرژی صرف شده برای نیل به این هدف باعث شد تا مسائل اصلی دیگری در رده ی دوم قرار بگیرند که مهم ترین آن ها انتقال فرهنگی بین نسل ها بود. با این وجود این نگرش از آغاز دهه ی ۳۰ میلادی تا دهه ی ۸۰ میلادی، غالب بوده. از این دوره به بعد بود که کم کم افرادی مثل پیر بوردیو و ژان کلود باسرون پای به عرصه گذاشته و دیدی منتقدانه را نسبت به دانش های انتقالی در مدارس مطرح کردند. در نظر ایشان دانش هایی که به دانش آموزان منتقل می شود در رده ی اول اولویت قرار می گیرد و به هیچ عنوان نباید به پنهانی وی شانس تحصیلی برابر برای همه،

خبرهای ناخوشایند برای پناهجویان در استرالیا

حسین بهمن



استرالیا در زمینه های حقوق سیاسی و مدنی جایگاه بلندی را در عرصه بین المللی دارد اما پالیسی این کشور در قبال پناهجویان روی دست گرفته است به استنددهای بین المللی هماهنگی ندارد. براد ادامز دایرکتور بخش آسیایی سازمان دیده بان حقوق بشر گفته است که پالیسی مهاجرتی استرالیا با تخطیهای جدی حقوق بشری همراه بوده است. بخش از اعلامیه ی سازمان دیده بان حقوق بشر: «استرالیا ششیدها ضرورت دارد که پالیسی خود در قبال پناهجویان را مورد بازبینی قرار دهد تا این کشور یکبار دیگر جایگاه خود را در میان کشورهای که به حقوق بشر احترام دارد پیدا کنند.» این انتقادات هر چند تند بود اما هیچگاه راه به جایی نبرد و سرانجام دادگاه عالی استرالیا وارد عمل شد و تمامی این انتقادات را مردود دانست. با اجرایی شدن این حکم دادگاه عالی استرالیا مبارزه با قاچاقبران انسان که همواره سعی کرده اند پناهجویان را به صورت غیر قانونی به استرالیا انتقال دهند از سوی حکومت استرالیا به صورت جدی رهبری خواهد شد.

عملیات حفاظت از مرزهای استرالیا جدی تر از گذشته عملی خواهد شد. آقای داتن گفت که حکم دادگاه عالی استرالیا به این معنی است که هیچ چانس برای پناهجویان غیرقانونی در استرالیا وجود ندارد و تمامی پناهجویانی که تلاش کنند غیرقانونی وارد استرالیا شوند یا متوقف و باهم به کمپهای خارج از مرزهای استرالیا منتقل خواهند شد.

پیتر داتن وزیر مهاجرت و سرحدات استرالیا: «ما طی دوسال گذشته دستکم بیست کشتی حامل پناهجویان غیرقانونی را از انبهای استرالیا دور کرده ایم و برنامه ی ما برای بازگرداندن کشتیهای حامل پناهجویان غیرقانونی به قوت خود باقیست و در آینده نیز ادامه خواهد یافت.» این در حالیست که قبل از اصدار حکم دادگاه افراد و نهادهای مختلف در استرالیا و خارج از استرالیا حکومت این کشور را به خاطر پالیسی مهاجرتی اش بارها به چالش کشیده بودند. نهادهای مدافع حقوق بشر و حقوق مهاجرین در داخل و خارج از خاک استرالیا بارها به انتقاد شدید از حکومت استرالیا اعلام کردند که این کشور در قبال پناهجویان نوزم های حقوق بشری و بین المللی را زیر پا کرده است. عمده ترین انتقادات نهادهای مدافع حقوق بشر در مورد بازداشتگاه های است که از سوی حکومت استرالیا در خارج از خاک این کشور ساخته شده است. نهادهای حقوق بشری میگویند که درین کمپها پناهجویان

با تأیید دادگاه عالی استرالیا مبنی بر قانونی بودن تلاشهای حکومت برای جلوگیری از ورود پناهجویان غیرقانونی به خاک استرالیا دیگر به نظر میرسد که رسیدن به استرالیا از راه های غیرقانونی به کلی منتهی شد. انطور که دیده میشود دادگاه عالی استرالیا که بالاترین مرجع قضایی درین کشور به شمار میرود، با صدور حکم مبنی بر قانونی بودن بازداشت پناهجویان در کشورهای همسایه اکنون راه برای حکومت استرالیا به کلی هموار شده است تا با دست باز به مجادله مهاجرت غیرقانونی درین کشور برود پدیده ی که ساهاست به چالش عمده



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا | مدیر مسول: محمد رضا هویدا | سردبیر: حفیظ الله زکی | کاریکاتورست: خالق علی زاده | دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری | مسول وب سایت: غلام عباس اصلان | آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

افغانستان The Daily Afghanistan Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Newspaper